

نوشیروان کیهانی زاده

۷۷ سال پس از اظهارات مهم پروفیسور «ماسه» شرق شناس بزرگ درباره ایران و ایرانیان…

رسانه‌های فرانسه در نخستین هفته سپتامبر ۱۹۳۰ (۱۳۰۹ هجری خورشیدی) سخنرانی پروفسور «هاتری ماسه» شرق‌شناس بزرگ فرانسوی درباره ایران و ایرانیان را به صورت خبر و بعضاً «متن» منتشر کرده بودند. ترجمه قسمت‌هایی از این سخنرانی که در پاریس ایراد شده بود بعداً در نشریات تهران نیز انتشار یافت. در آن زمان هنوز دولت تهران از خارجیان اکیداً نخواستہ بود که در مکاتبات به جای «پرشیا» واژهٔ ایران را به کار برند که «خواست تعجب‌آوری» تلقی شده و برخی از مورخان این اقدام تهران را به حساب فشار لندن گذارده‌اند که به حساب سیاست خود می‌خواست بخش‌های جدا شده «پرشیا» (ایران‌زمین، ایرانشهر) نام جداگانه داشته باشند. پروفسور ماسه در سخنرانی خود گفته بود که ایران امروز بخشی از ایران‌زمین (پرشیا) است و بلوچ‌ها، پشتون‌ها (پاتان‌ها)، تاجیک‌ها، کردها، ارانی‌ها (قشقازی‌های جنوب)، داغستانی‌ها و برخی از ساکنان جنوب روسیه ایرانی‌تبار هستند با فرهنگ، منش و نیاکان مشترک و همه آنان آری‌ن‌های جنوبی به‌شمار می‌روند. نوسندگان یونان باستان بودند که ایرانیان هزاره اول پیش از میلاد را بر حسب محل سکونت‌شان؛ ماد، پارس و بارت ذکر کرده و نوشته‌اند که مادها (ساکنان منطقه غربی ایران که از اری «آغاز می‌شود) نخستین گروه از ایرانیانی بودند که به پایتختی همدان به ایجاد یک دولت بزرگ دست زدند و آشور را از میان بردند و جمعی از مردم خود را برای آشوریان نشانیدند و مرزهای ایران را تا سوریه امروز گسترش دادند (منظور پروفسور ماسه؛ کردهای عراق امروز بود). تجاوزات مکرر و ستمکاری آشوریان باعث شد که ایرانیان منطقه غرب (مادها) دولت تشکیل دهند که بعداً پارس‌ها (ایرانیان جنوب و شرق) دولتی فراگیر به وجود آوردند و پایه امپراتوری و دولت فراگیر در جهان ریخته شد. نوسندگان همراه اسکندر مقدونی بودند که بخش شمال غربی ایران را به نام (عنوان – سمت) فرمانارش «آثر پاتیکان» نامیدند که با اندکی تغییر شکل واژه تا به امروز به همان صورت به کار برده می‌شود. در آن زمان فرماندار این منطقه درعین حال پاسدار آتشکده بزرگ منطقه نیز بود.

پروفسور ماسه چنین نتیجه گرفته بود: بنابراین، ایرانیان در هر جا که باشند از یک تبار و وابسته به یک فرهنگ هستند. مشکل ایران در طول زمان این بوده است که بر سر چهارراه مهاجرت‌ها قرار گرفته ولی این مهاجرت‌ها مربوط به قرون هفتم، نهم و سیزدهم هستند که مهاجران در قرون طولانی پس از مهاجرت به دلیل ازدواج و وصلت با ایرانیان قدیمی‌تر در هم ذوب و از یک تبار و وابسته به یک فرهنگ شده‌اند. در قرن هفتم میلادی گروه‌های عرب‌در پی نیروی فاتح گام به ایران گذارند که شمار آنان نسبت به جمعیت وقت به سه درصد هم نمی‌رسید که در اندک مدت از طریق ازدواج یکی شدند. ادامه در ستون سمت چپ

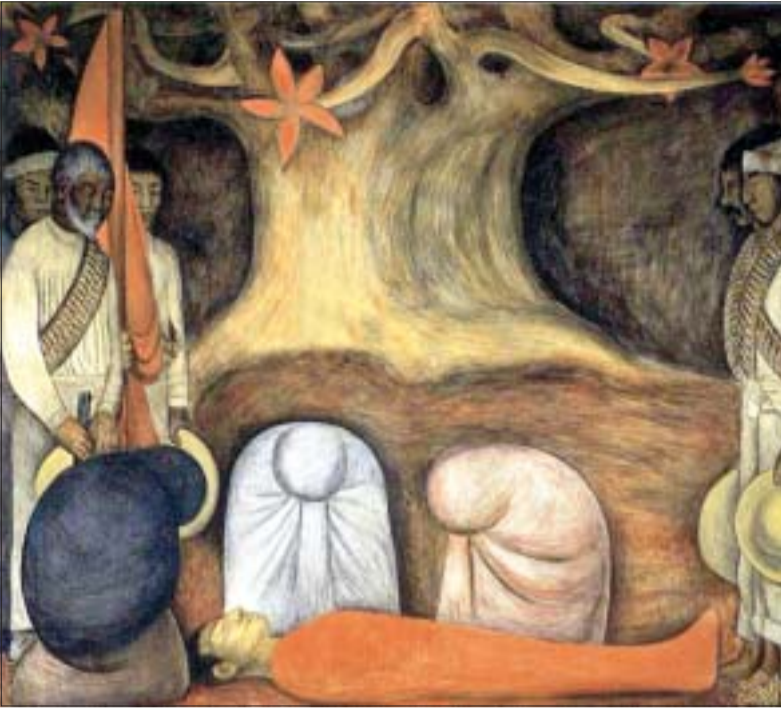


قدرت [سیاسی] ناگزیر دآوری آزاد خود را به‌تابی می‌کشاند. اما اینکه شاهان یا ملت‌هایی که بنابر اصل برابری، خود شاهانه بر سرنوشت خویش حکم می‌رانند، کمر به‌ناپودی و خاموشی گروه فیلسوفان نبینند، بلکه بگذارند تا ایبان آزاد و علنی سخن گویند، برای تئور رسالت و روشن شدن مسولیت هر دو لازم و ضروری است. خاصه آنکه این گروه بنابر طبیعت خود، قادر تباری و محفل گرایی نیست و از این رو در معرض سوعظن برای تبلیغ عقاید خود قرار ندارد. اکنون دیر زمانی است که این توصیه کانت در گستره تمدن غرب جامه عمل به‌خود پوشانده است و حق بیان افکار و عقاید – اگر نه به‌طور گسترده و برابر، ولی در حد مطلوب – به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول دموکراسی، پذیرفته و نهادینه شده و در جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی جوامع غربی ریشه دوانده است. با این همه طرح آرمانی افلاطون کمابیش به‌گونه‌یی دیگر تحقق یافته است. اکنون گهگاه دولتمردانی یافت می‌شوند که افزون بر «سیاستمداری» و «هنر تحقق ممکن‌ها»، با بینش و بصیرتی ژرف و فراتر از دیدگاه‌های سیاسی متعارف و راهکارهای معمول و بعضاً بی‌اثر، می‌کوشند با چشم اندازی گسترده‌تر جهان پیرامون و سرنوشت انسان روزگار خویش را به‌نظاره بنشینند. اینان با دوراندیشی، می‌کوشند تا خود را با عمق مسائل و کنه مشکلات مشغول دارند و اگر نه در کسوت فیلسوفان، اما با یاری ایشان و با اندیشمندی و اندیشناکی در تلاشند تا با نگاهی فراملی پاسخی برای بحران‌های عصر خود بیابند.

این گروه از دولتمردان اما اندک‌اند و نادر. در مقابل، ولی هنوز کم نیستند سیاستمدارانی که به‌خطا تصور می‌کنند در آستانه هزاره سوم میلادی و در دورانی که با افزایش مهاجرت‌ها و فزونی ماهواره و گسترش رسانه‌های الکترونیکی، دنیا به‌راستی دهکده‌یی شده است به‌وسعت کره خاکی، می‌توان بر مضضلات جامعه سرپوش گذاشت یا مسائل را با شیوه‌های اقتدارگرایانه و روش‌های متعارف و معمول و در محدوده تنگ جغرافیایی و منافع کوتاه‌مدت حل و فصل کرد و با بحران‌های بزرگی که فرآوری جامعه بشری قرار دارد، به‌سادگی و بدون تحمل زبان‌های عظیم گذشت. این تصور، خطایی است که در عرصه عمل، بی‌گمان نایجی زیانبار و عواقبی وخیم به‌همراه خواهد داشت و کمتر کشوری و ملتی از پیامدهای جبران‌ناپذیر آن در امان خواهد ماند. به جرات می‌توان گفت که دوران «سیاست مبتنی بر قدرت» و «ترندهای سیاسی» و نیز عصر «سیاستمداران سیاست‌باز و جاه‌طلب» به سر آمده است و آنان

آیا جهان بدون جنگ ممکن است

خسرو ناقد



گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها زمانی اقبال موفقیت دارد که با پیشداوری و برتری‌جویی با هدف منافع دکردن طرف مقابل و قبولاندن عقاید همراه نباشد

که به عوام فریبی و وعده‌های خیالی بر مسند قدرت تکیه می‌زنند، چه درخواهند یافت که زمانه دیگرگون شده است. اینک دورانی را پیش رو داریم که، آنگونه که کانت آرزو می‌کرد، فقط دولتمردان با اخلاق را می‌توان تصور کرد؛ یعنی کسانی که اصول سنجیدگی دولت را آنگونه در نظر می‌گیرند که با اخلاق سازگاری داشته باشند، و نه اخلاق گرایانی سیاسی که اخلاقی را برای خود چنان تحریف و دستکاری می‌کنند تا بتوانند آن را در اختیار سود و صرفه خود قرار دهند. آینده از آن «سیاستمدار اندیشمندان» است و زمان، زمان «دولتمردان خردورز» که با دریافت روح زمان و درک درست از دگرگونی‌های ژرفی که در ابعادی جهانی در شرف تکوین است، با آگاهی از نیازمندی‌های زمانه خود و بینشی فراتر از دوران خود، پاسخگویی مطالبات و انتظارات نسل‌های امروز و فردا باشند. کسانی که با پرهیز از پیشداوری‌های بی‌معنی و تعصبات بیهوده و با دور ماندن از چار و جنجال‌ها و قیل و قال‌هایی که گهگاه در اینجا و آنجا به‌قصده عوام‌فریبی و حفظ قدرت برپا می‌شود، با یاری اندیشمندان و پژوهشگران و روشنفکران، با مطالعاتی عمیق و بررسی‌هایی همه‌جانبه و تلاشی گسترده در جهت آگاهی و شناخت ژرف از فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون همت گمارند و با شناختن و شناساندن مشترکات فرهنگی موجود و پیوندهای معنوی و

ارزش‌های مشابهی که باعث تقویت حس همبستگی جهانی و ایجاد تفاهم و تسامح و تسالم می‌شود، بر این واقعیت پافشارند که ملت‌های جهان برای ادامه حیات انسانی و همزیستی مسالمت‌آمیز و چیره شدن بر مسائل و مشکلات امروز و فردی جهان، بی‌نیاز از یکدیگر نیستند و جامعه بشری، همچون اعضای خانواده‌یی بزرگ، سرنوشتی مشترک دارند و همه مسافران کشتی توفان‌زده‌یی‌اند که به‌اتفاق و تنها با اتکا و اعتماد به‌هم، اقبال رسیدن به ساحل نجات را دارند. اما اینک این پرسش پیش روی ما قرار دارد که آیا برخورد خشونت‌آمیز تمدن‌ها تنها راهی است که پیش روی جهان متکثر امروز قرار دارد و سرانجام به جنگ و ستیز منجر می‌شود؟بی‌گمان برخورد فرهنگ‌ها و حوزه‌های فرهنگی گوناگون در آستانه قرن بیست و یکم میلادی تفاوتی اساسی با گذشته دارد و باید اذعان کرد که ارتباط و نزدیکی‌ها و نیز تقابل و رویارویی‌ها، با چنین گستردگی و شدتی که امروز ما شاهد آییم، سابقه نداشته است. ناگفته نپسداست که پیشرفت سرسام‌آور و گاه بی‌رویه تکنولوژی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، به‌ویژه رشد روزافزون شاهراه‌های اطلاعاتی، و همچنین افزایش جمعیت و فزونی مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های قومی، جهان را در مقیاسی وسیع دگرگون کرده و پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را

پیچیده‌تر و طبعاً حل مسائل و معضلات رانیز به‌همین نسبت دشوارتر کرده است. با فروپاشی نظام کمونیستی و با پیدایش نهضت‌هایی در گوشه و کنار جهان که با هدف حفظ منافع ملی و احیای هویت فرهنگی در حال گسترش است، چهره جهان تغییر کرده و در تناسب و موازنه قدرت نیز جابه‌جایی‌هایی صورت گرفته است. افزون بر اینها، پیامدهای فرآیند جهانی شدن اقتصاد، نه‌تنها به‌تدریج اثرات خود را بر اقتصاد ملی کشورها می‌گذارد و راهکارهای سنتی اقتصاد بازار را بی‌اثر می‌کند، بلکه بحران‌های اقتصادی ناشی از آن در برخی کشورها باعث بروز ناآرامی‌های اجتماعی و تنش‌های سیاسی خشونت‌آمیز شده است. در واقع تمام این عوامل، جهان را در شرف تغییر و تحولاتی بنیادین و عظیم قرار داده است که در دو دهه اخیر کمابیش شاهد آییم. از این رو بدیهی است که در اثر این دگرگونی‌ها و برخوردها، در جوامعی که به‌دلایل گوناگون آمادگی جذب و دفع آگاهانه و آزادانه عناصر فرهنگی بیگانه را ندارند، تردیدها و نگرانی‌های پدید آید. این نگرانی‌ها هرگاه با احساس ضعف و نابرابری امکانات و توانایی‌ها و نیز با احساس درماندگی در برابر فرهنگ فراگیر یا تکنولوژی پیشرفته همراه باشد، رفته‌رفته به‌ترس و هراس مبدل می‌شود و پیسداست که عکس‌العمل‌های توأم با ترس و ضعف، ناگزیر به اعمال قهرآمیز و خشونت‌آمیزی من‌اجماد. البته اینچنین برخوردهای خشونت‌آمیز نه‌تنها میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون، بلکه در محدوده فرهنگی خاصی نیز امکان بروز دارد. به‌بیانی دیگر، واگرایی‌های فرهنگی و خطوط گسل، با پیامدهای سیاسی چشمگیر و مهم که ممکن است به‌قهر و خشونت نیز منتهی شود، هم میان فرهنگ‌ها و هم درون فرهنگ‌ها می‌تواند پدید آید. در نوع اخیر، ستیز و چالش نه در میان دو فرهنگ مختلف، که رویارویی و تقابل میان دو یا چند نگرش و پیش و جهان‌بینی متفاوت در مجموعه فرهنگی واحدی است. این امر به‌ویژه در جوامع در حال گذار که تقابل و تعارض میان نیروهای اجتماعی سنت‌گرا و متحجر از یک سو و نیروهای خواهان اصلاح و متجدد از سوی دیگر در جریان است، محسوس‌تر و طبعاً دگرگیزی‌های خشونت‌آمیز نیز شدیدتر است. شاید حتی به‌یاری این نظریه بتوان

تحلیلی از رویدادهای خشونت‌بار و تاسف‌بار سال‌های اخیر در برخی از کشورهای خاورمیانه به‌دست داد و نیز به ماهیت و علل وقایع و حوادثی بی‌برد که در سال‌های گذشته و در پی تلاش‌های جدی جهت اصلاح و قانونمندی جامعه در ایران، رخ نموده است زیرا فرآیند شکل‌گیری «جامعه مدنی»، آن هم در جامعه‌یی پرتحرک و جوان چون ایران امروز که در حال گذار از ساختاری اقتداری به‌مناسباتی مبتنی بر قانون است، ناگزیر با تنش‌ها و چالش‌هایی همراه است که به‌طبیعت و ماهیت چنین فرآیندی بازمی‌گردد و حتماً نباید منفی تلقی شود. البته اگر نگرش عقلانی و پایبندی به اصول اخلاقی و فرهنگ گفت‌وگو و مدارا و تسامح بر جدل‌های فکری و عقیدتی و فرهنگی و جدال مشروع بر سر منافع و کشمکش‌های سیاسی حکمفرما نباشد، کار به اعمال خشونت‌آمیز و اقدام‌های تبهکارانه می‌کشد. ادامه در صفحهٔ ۷

درصد این اختلاط در بین‌النهرین و به‌ویژه در شرق دجله که بیش از هشت قرن یک ایالت ایران بود بیشتر است. در قرن نهم طوایف «غز = آغوز» که شمار آنان هم نسبت به مردم بومی چندان زیاد نبود ولی به صورت «فاتح» عمل می‌کردند وارد ایران «بدون دولت مرکزی» شدند و تا سوره‌یه پیش رفتند و ساکن شدند و با مردم محل مخلوط. در قرن سیزدهم مغولان با ایل و تبار وارد برخی از مناطق ایران شدند که بعداً آنان هم در سکنه بومی ذوب شدند و فرهنگ ایرانی یافتند و در ایران امروز کمتر از روسیه و نواحی مورد تعرض مغولن، قبیافه مغولی مشاهده می‌شود. پروفسور ماسه در پایان گفته بود که این مهارت خاص ایرانی است که مهاجران را «خودی» می‌سازد و با آنان یکی می‌شود. ۷۷ سال پس از ایراد این سخنرانی دست‌کم در یک روزنامه پرتیراژ چاپ امریکا (در شماره پنجشنبه‌یی ام آگوست ۲۰۰۷، صفحه ماقبل آخر) مطلبی شش ستونی تحت عنوان «غیرپرشین‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند» چاپ و ادعا شده بود که ۴۹ درصد جمعیت ۶۹ میلیونی ایران «نان-پرشین» هستند! از جمله حدود سه میلیون عرب! در این نوشته اصیل‌ترین ایرانیان هم با ذکر رقم «نان-پرشین» به حساب آورده شده‌اند! این نوشته در زمانی انتشار یافته که جنگ سرد ایران و امریکا در پی اظهارات هفته گذشته جرج بوش شدت یافته است.

سالروز قتل احمدشاه مسعود مردی که آرزو داشت پارسیان جهان متحد شوند
نهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ در سالروز استقلال جمهوری تاجیکستان و در روز پیش از رویدادهای نیویورک و پنتاگون، انفجار بمبی که در دورین یک عکاس عرب جاسازی شده بود احمدشاه مسعود رهبر مبارزان شمال (افغانستان) را مجروح کرد که ۱۱ سپتامبر اعلام شد که درمان مؤثر واقع نشده و درگذشته است. صاحب دوربین به همراه یک روزنامه‌نگار به منظور مصاحبه، با احمدشاه ملاقات کرده بود. منابع غرب القاعده را متهم به قتل مسعود کرده‌اند و دلیل آنها مبارزه مسلحانه مسعود با طالبان بود که حامی القاعده بودند. احمدشاه همانند پدرش دوست‌محمد مسعود یک ناسیونالیست تاجیک (پارسی) بود که آرزو داشت پارسی‌زبانان جهان را متحد کند؛ همین تلاشی که فعلاً امام‌علی رحمان‌اف رئیس‌جمهور تاجیکستان در سمت رئیس انجمن جهانی پارسی‌زبانان دارد انجام می‌دهد. پدر احمدشاه با جمعی از ناسیونالیست‌های تاجیک ضد سلطه مسکو بر وطن تاجیک‌ها (پارسیان آسیای میانه) قیام مسلحانه کرده بود که شکست خورد و به افغانستان گریخت و افسر پلیس شد و سال‌ها ریاست پلیس هرات را برعهده داشت. احمدشاه در دولت برهان‌الدین ربانی وزیر دفاع افغانستان بود. برادر وی اینک معاونت ریاست جمهوری افغانستان را برعهده دارد. مورخان اروپایی که زندگینامه و کارهای مسعود را تحلیل کرده‌اند، عقیده دارند که اگر او زنده مانده بود، در جهان پارسی‌زبانان، به صورت کوروش تازه‌یی عمل می‌کرد و در نتیجه مرگ وی را یک ضایعه بزرگ برای این منطقه از جهان قلمداد کرده‌اند.

www.iranianshistoryonthisday.com

تمدید شد

جوایز بزرگ ایرانسِل

به مناسبت نیمه‌شعبان

به مناسبت ولادت با سعادت حضرت ولی عصر (عج)، ایرانسِل در نظر دارد یک مراسم

قرعه کشی بزرگ ویژه نیمه شعبان در تاریخ ۳۱ شهریور ماه برگزار نماید. تمامی افرادی که

حائز یکی از شرایط زیر باشند، در قرعه کشی ویژه نیمه شعبان، شرکت داده می شوند:

- مشترکینی که پس از خریداری سیم کارت، در فاصله ۱ تا ۲۶ شهریور ۸۶ اولین تماس را از سیم کارت خریداری شده برقرار نموده و ثبت نام خود را تکمیل نموده باشند.**
- مشترکینی که در فاصله ۱ تا ۲۶ شهریور ۸۶، اولین تماس را از سیم کارت هدیه برقرار کرده باشند.**

جوایز قرعه کشی بزرگ نیمه شعبان ایرانسِل:

۱۰ دستگاه خودرو پژو ۲۰۶

۱۰۰ عدد گوشی تلفن همراه

۱۰۰ عدد سکه بهار آزادی

تاریخ و نحوه اهدای جوایز هم‌زمان با اسامی برندگان، متعاقباً اعلام خواهد شد.

توجه

تنها مشترکینی در قرعه کشی شرکت داده می شوند که ثبت نام خود را تکمیل نموده و در فاصله پنجشنبه ۱ تا دوشنبه ۲۶ شهریور نخستین تماس را با سیم کارت خود برقرار نمایند.

توجه فرمایید که سیم کارت های هدیه ایرانسِل بطور خودکار ثبت نام شده اند؛ بنابراین، برای شرکت در قرعه کشی، تنها برقراری اولین تماس در دوره مذکور، کافی است.

تمامی مشترکین تا ۲۰ شهریور ماه می توانند با انتخاب هر یک از طرحهای تعرفه تشویقی، شانس خود را برای برنده شدن ۳ دستگاه خودروی BMW نیز بیازمایند